



مقاله‌ها را در کانال تلگرام ما دنبال کنید

کنسولگری ایران در منطقه مرزی ارمنستان افتتاح شد

تغییر مرزهای منطقه، خط قرمز ایران

یک روزپس از پایان رزمایش «اقتدار» در منطقه ارس، حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه راهی ایروان، پایتخت ارمنستان شد. سفری که برای نخستین بار از سوی وزیر خارجه دولت سیزدهم و در برهه حساسی از تحولات منطقه قفقاز صورت گرفت تا بر مواضع اصولی جمهوری اسلامی پیرامون مناقشه تاریخی جمهوری آذربایجان و ارمنستان تأکید ویژه‌ای داشته باشد.

مسئول سیاست خارجی اروپا:

دوران سلطه‌گری امریکا تمام شده است

مشخصه ۱۳۰۱ پیوسته

پاسخی به بیانیه اخیر منتشر شده توسط جودیت باتلر، ژاک رانسیر، آنجلادیویس و دیگران

سوژه نقاد غربی درکی از واقعیت جامعه ایرانی ندارد

نداره، اما نمی‌توانم فراموش کنم وقایع و التهابات کشورهای مختلف از سوی رسانه‌ها توجه یکسانی را برنمی‌انگیزد. مثلاً یک سال جنبش اعتراضی جلیقه‌زده‌ها در فرانسه به اندازه چند روز اعتراض در ایران در رسانه‌های غربی سروصدا به پا نمی‌کند. خبر تجاوز پلیس انگلستان به زنی ۳۳ ساله یعنی «سارا اورد»[۱] و به قتل رساندن او در رسانه‌های غربی توجه چندانی را برنمی‌انگیزد، گزارش وزارت دادگستری فرانسه که در آن به مطالعه ۸۸ مورد قتل یا اقدام به قتل مرتبط با خشونت خانگی زنان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ اشاره شده است به «آپارتاید جنسیتی» در فرانسه تعبیر نمی‌شود.[۲]

بگذریم... بی‌تردید این روزها برای مردم و کشور ما مهم‌اند، مرگ دردناک مهسا امینی «سرکوب توسط ترول‌های حکومت» وصفشان کردید زیسته‌ام. اجازه بدهید از صحنه تقابل «مقاومت» و «خشونت» که ترسیم کردید فاصله بگیرم، مانند یک مشاهده‌گر پشت سر شما بایستم، لحظه‌ای که شما به صحنه زل زده‌اید را ببینم و به نسبت شما و این «صحنه» فکر کنم! آنچه در کنار صحنه اهمیت زیادی دارد، قایب است که آن را دربرگرفته و مشخصات و ابعاد صحنه را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان ماهیت صحنه را از قلاب و ابعادش تفکیک کرد. این لحظه را تصور کنید: قایب از یک خیابان، متفکری که به قاب زل زده است، مشاهده‌گری پشت سر متفکر زل زده به قاب که بنا براتفاق خودش در آن خیابان‌ها و صحنه‌ای که من می‌بینم، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. چراست/ولم روشن شده است: این قاب توسط چه کسی/چیزی برای شما شکل گرفته است؟ پدیده‌ای است که شما در میدان آنچه در حال وقوع است نیستید! پس این «رسانه‌ها» هستند که تصویر قایب شده از میدان ایران برای شما و دیگران ارائه می‌دهند. البته که امروز رسانه‌ها مهم‌ترین جایگاه در به تصویر کشیدن وقایع میدانی را دارند، اما نسبتی که با میدان برقراری می‌کنند همواره محل مناقشه بوده و هست. پرسش اساسی این است: نگاه/لنز/کلمات رسانه مبتنی بر کدام «نظام‌های معنایی»، «نظام‌های میل» و «شبکه‌های منافع» بر کدام «نقطه از میدان» تمرکز می‌کند و خود در ادامه چه میدانی خلق می‌کند؟! می‌فهمم که امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که دغدغه نسبت به وقایع، التهابات و مسائل داخلی ملل دیگر اهمیت کمی

◀ **سحر دانشور**
دانشجوی مطالعات زنان

پروفسور جودیت باتلر، پروفسور ژاک رانسیر، پروفسور سارا احمد، پروفسور شیلیا بن حبیب، پروفسور آنجلادیویس و... سلام با احترام کشور من روزهای پرتالتهایی را از سر می‌گذراند و بیانیه شما سعی کرد در این شرایط در کنار تعدادی از هموطنانم بایستد. من از توجه شما به کشورم تشکر می‌کنم، اما نمی‌توانم انکار کنم متن شما سوالاتی را بر ایام ایجاد کرد. بدون شک روشنایی این سوالات متأثر از متونی است که از شما و متفکرین دیگری چون شما خوانده‌ام.

من در آن خیابان‌ها که شما امروز با اصطلاحات «خیزش‌های مردمی»، «بدن‌های رقصان»، «آتش زدن نمادهای حجاب»، «سرکوب توسط ترول‌های حکومت» وصفشان کردید زیسته‌ام. اجازه بدهید از صحنه تقابل «مقاومت» و «خشونت» که ترسیم کردید فاصله بگیرم، مانند یک مشاهده‌گر پشت سر شما بایستم، لحظه‌ای که شما به صحنه زل زده‌اید را ببینم و به نسبت شما و این «صحنه» فکر کنم! آنچه در کنار صحنه اهمیت زیادی دارد، قایب است که آن را دربرگرفته و مشخصات و ابعاد صحنه را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان ماهیت صحنه را از قلاب و ابعادش تفکیک کرد. این لحظه را تصور کنید: قایب از یک خیابان، متفکری که به قاب زل زده است، مشاهده‌گری پشت سر متفکر زل زده به قاب که بنا براتفاق خودش در آن خیابان‌ها و صحنه‌ای که من می‌بینم، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. چراست/ولم روشن شده است: این قاب توسط چه کسی/چیزی برای شما شکل گرفته است؟ پدیده‌ای است که شما در میدان آنچه در حال وقوع است نیستید! پس این «رسانه‌ها» هستند که تصویر قایب شده از میدان ایران برای شما و دیگران ارائه می‌دهند. البته که امروز رسانه‌ها مهم‌ترین جایگاه در به تصویر کشیدن وقایع میدانی را دارند، اما نسبتی که با میدان برقراری می‌کنند همواره محل مناقشه بوده و هست. پرسش اساسی این است: نگاه/لنز/کلمات رسانه مبتنی بر کدام «نظام‌های معنایی»، «نظام‌های میل» و «شبکه‌های منافع» بر کدام «نقطه از میدان» تمرکز می‌کند و خود در ادامه چه میدانی خلق می‌کند؟! می‌فهمم که امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که دغدغه نسبت به وقایع، التهابات و مسائل داخلی ملل دیگر اهمیت کمی

از بهترین اصطلاحات برای این فرایند است. اینجاست که باید بگویم رسانه‌هایی که شما اخبار خود را از آنها دریافت می‌کنید به وضوح در روایت میدان ما، در روایت این روزهای ما دچار «سوگیری» هستند.

آنها از توان درونی واژه‌هایی چون «خشونت» و «سرکوب» برای توصیف این میدان نهایت استفاده را می‌برند تا احساسات مخاطبین را فرابخوانند، البته که خشونت در هر صورت محکوم است، در ایران و در هر نقطه دیگری از جهان، اما باید در نظر داشت ما با خشونت یکپارچه در وقایع ایران روبه‌رو نبوده‌ایم، خشونت‌هایی از طرفین حاضر به صحنه تحمیل شده است. طیف‌های مختلف هموطنان من هر کدام براساس شخصیت و دافعه‌های اجتماعی خود به این رویدادها واکنش نشان دادند، البته باید بداند بسیاری از «مردم من» در خیابان حضور ندارند و زندگی زیر پوست شهر در جریان است. شما این اتفاقات، واکنش‌ها و زندگی معمولی مردم من را از نزدیک ندیده‌اید! طبیعی است، فرستگ با ما فاصله دارید و در حالی که به زندگی روزمره خود مشغولید از طریق تلویزیون و شبکه‌های مجازی با تیترا اخباری که ما آنها را زیست می‌کنیم روبه‌رو می‌شوید، البته که امروز تنها و مهم‌ترین راه ارتباطی رسانه‌ها هستند و همه ابزارهای رسانه می‌توانند حامل حقیقت باشند، اما نه تمام حقیقت.

می‌دانم در چه شرایطی می‌توان از واژه «آپارتاید» استفاده کرد. مبتنی بر این آشنایی باید بگویم نه تنها با به کار بردن واژه «آپارتاید جنسیتی» برای صورتبندی وضعیت جامعه و حکومت ایران به هیچ عنوان موافقت ندارم، بلکه دیدن آن در متن شما مرا متعجب کرد. من به‌عنوان یک زن دانشجوی ایرانی معتقدم شما هنگام به کار بردن واژه «آپارتاید جنسیتی، پیچیدگی‌های فرهنگی»، «عناصر هویتی»، «تمایزات اجتماعی» و «تاریخ کشور» ما را نادیده گرفته‌اید. این در حالی است که توصیف شرایط جوامع انسانی در ابتدایی‌ترین



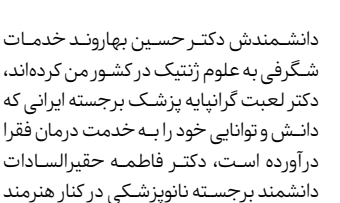
شیلا بن حبیب



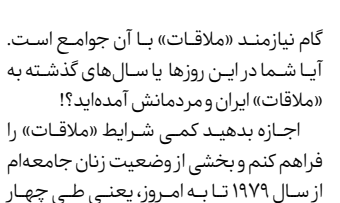
زئیلبر آشکار



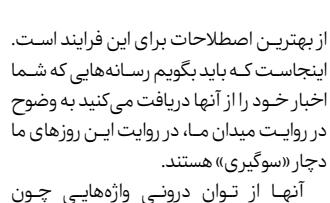
آنجلا دیویس



جودیت باتلر



ژاک رانسیر



سحر دانشور

دانشمندش دکتر حسین بهاروند خدمات شگرفی به علوم ژنتیک در کشور من کرده‌اند، «ملاقات» ایران و مردمانش آمده‌اند؟! دانش و توانایی خود را به خدمت درمان فقرا درآورده است، دکتر فاطمه حقیرالسادات دانشمند برجسته نانوپزشکی در کنار هنرمند و عکاس برجسته‌ای چون مریم کاظم‌زاده که اولین زن عکاس جنگ ایران و عراق بود و همسرش را در آن جنگ تحمیلی از دست داد تنها چند نفر از خیل زنان پیشرو و الهام‌بخشی هستند که مسیر اندیشیدن دختر و زن ایرانی به سرنوشت خود به‌عنوان یک زن را تسهیل کرده‌اند.

این تنها بخشی از وضعیت امروز زن ایرانی است، وضعیتی که در هیچ‌کدام از رسانه‌هایی که امروز نگران زنان ایران شده‌اند نه صدایی دارد و نه تصویری، همانگونه که در گذشته هم نداشته است. آیا این وضعیت نشانه‌ای از «آپارتاید جنسیتی» با خود به همراه دارد؟ آپارتاید پیوند وثیقی با ارتجاع دارد، ارتجاع به معنای عقبگرد. آیا وضعیت اینچنین پیشرو را می‌توان به «آپارتاید جنسیتی» تعبیر کرد؟ البته هر کشوری مسائل و چالش‌های مخصوص به خود را هم دارد، مثلاً ۳۱ درصد از زنان شاغل آمریکایی در مشاغل کم‌درآمد مشغول به کارند، زنان شاغل آمریکا به ازای هر دلار درآمد مردان ۸۰ سنت درآمد دارند. در نگزاس آمریکا ۲۲ درصد از دانش‌آموزان دختر ۹ تا ۱۲ ساله مورد آزار وادیت قرار می‌گیرند، این آمار در میسوری ۳۰ درصد است و نوهمکزیکو با آمار ۲۰ درصد این معضل دست و پنجه نرم می‌کند، اما آیا تا به حال کسی این وضعیت را با اصطلاحاتی چون «آپارتاید جنسیتی» توصیف کرده است یا رسانه‌های غربی به آن توجهی درخور نشان داده‌اند؟

توصیف جوامع نه تنها نیازمند «ملاقات» با شرایط آنهاست بلکه نیازمند «ملاقات» با مبانی، معنایی ذهنی، تاریخ، جغرافیا و ابعاد فرهنگی آن جوامع است. «ملاقات» در این نقطه به شرایطی نیاز دارد، شرایطی

جانشین بوریس جانسون رکورد کمترین میزان حضور یک نخست‌وزیر در خانه شماره ۱۰ داویننگ استریت را شکست

تراس، نخست وزیر ۴۵ روزه

عذرخواهی نخست‌وزیر بریتانیا و اعتراف او به سیاست‌های اشتباهش در ششمین هفته ورودش به خانه شماره ۱۰ داویننگ استریت، تنها یک روز توانست او را در جایگاش نگه دارد و استعفای ناگهانی وزیر کشور کابینه بحران زده اش، آخرین ریسمان او برای ماندن در قدرت را پاره و او را مجبور به کناره‌گیری کرد. حالا در فاصله تنها ۴۵ روز بریتانیا شاهد رقابتی در حزب محافظه‌کار برای ریاست دولت خواهد بود که...

۶



۴

مثل فاصله گرفتن ملاقات‌کننده از معنایی ذهنی خود، آگاهی به تفاوت فرهنگی میان ملاقات‌کننده و ملاقات‌شونده و «هم‌عرض/هم‌شانه» ایستادن این دو. در این صورت است که تفاوت‌های فرهنگی مهم می‌شوند و فهم از وقایع عمق پیدا می‌کند.

اجازه بدهید بگویم من به‌عنوان یک زن مسلمان ایرانی معتقدم ظاهر انسان‌ها و نحوه پوشش‌شان در اجتماع اهمیت دارد، نه تنها بسیاری از زنان جامعه من، بلکه بسیاری از زنان مسلمان جهان به این اهمیت باور دارند.

در این نقطه «حجاب» نمادی از «سرکوب» یا نشانه‌ای از «آپارتاید جنسیتی» نیست، بلکه واقعیتی است که به تاریخ، هویت، فرهنگ، جامعه و حافظه ما برمی‌گردد. «ملاقات» شما با معنایی ذهنی ایرانیان و فهم‌شان از پدیده‌ها بر فهم شما از این میدان عمیق مؤثر است. این فهم باعث می‌شود زنان مسلمان ایرانی فرصت یابند تا نقش مؤثری در توصیف و ترسیم وضعیت خود در جهان واقعی داشته باشند. در این صورت است که به «سوژه نقاد غربی» تبدیل نمی‌شوید تا ما را به مثابه یک «ابژه» به میانجی «رسانه» مشاهده و توصیف کنید. چراز «سوژه نقاد غربی» سخن می‌گویم؟ به‌دلیل اصطلاحاتی که در نامه به کار برده‌اید، بدون درک واقعیت جامعه ایرانی و بدون در نظر گرفتن پیچیدگی‌ها و تنوعات موجود در کشور ما.

واژگانی چون «بیگانه‌هراسی» و «ژادپرستی» برای توصیف کسانی که سعی می‌کنند، در فهم و صورتبندی وضعیت خود ایفای نقش کنند، چه کارکردی در متن دارند و از چه نقطه‌ای نیرو می‌گیرند؟ شما همواره در آثار خود بر تنوع فرهنگی تأکید داشته‌اید، پس اجازه بدهید در لحظه حذف واژه‌های مرکزی‌تان و امضای آن نامه به سپرهایی جدید فکر کنم. گمان من این است که این اصطلاحات، سیرهای جدیدی هستند که «سوژه نقاد غربی» و «ژادپرستی» برای توصیف کسانی که سعی می‌کنند، در سخن دانشگاه‌های

آنچه امروز در میان ما می‌گذرد، بخشی از مسیری است که برای ساختن کشور خود

^[1] Sarah everard

^[2] Violence Against Women: New report highlights insufficiencies in French justice system | Eurnews